(مقالهٔ مروری)

زبان و اخلاق ارتباطی در اندیشهٔ مولانا

دکترهادی خانیکی *

گروه ارتباطات اجتماعی، دانشکدهٔ ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ دریافت:5 /94/5، تاریخ پذیرش: 94/8/3

چکیده

زمینه: «ارتباط» مفهمومی فراتر از ابزارها و سازکارهایی فنّی و زبانی است. بالاترین سطح «ارتباط» از طریق «گفت‌وگو» با «دیالوگ» انجام می‌گیرد که در آن مفهوم مشترکی توسّط طرفین گفت‌وگو خلق می‌شود. گفت‌وگو در مثنوی فرایندی است که با به‌کارگرفتن رمز، تمثیل، قصه و طنز، تعریف می‌شود. در این فرایند، زبان هم ابزار ارتباطی و هم ضد ارتباطی به حساب می‌آید. ارتباط از نظر مولانا «مخاطب محور» و «چند معنایی» است که با تأکید بر «اخلاق» و فهم فرازبانی و فرامکانی شکل می‌گیرد. در این تحقیق با انتخاب «تم اندیشهٔ عرفانی»، مضمون گفت‌وگو در مثنوی با تأکید بر قصّه‌ها، روایت‌ها و مفاهیم زبانی و اخلاقی دنبال شده است. هدف از این مقاله فهم اخلاق و زبان ارتباط و گفت‌وگو در دنیای پر راز و رمز اندیشهٔ مولانا است.

نتیجه‌گیری: در اندیشهٔ ارتباطی مولانا بافت فرهنگی و اجتماعی بر امکان و یا امتناع ارتباط اثر می‌گذارند، بنابراین «گفت‌وگو» به‌صورت پدیده‌ای فراتر از قیود زبانی و صورت‌های ساختاری گاه با «زبان آوری» و گاه «در سکوت» شکل می‌گیرد. در واقع گفت‌وگو مقوله‌ای «چند معنایی، عارفانه و اخلاقی» است که حصول به آن مستلزم باور و عمل به «اخلاق گفت‌وگوست».

کلید واژگان: *ارتباط، گفت‌وگو، دیالوگ، اخلاق گفت‌وگو، زبان عرفانی، مولانا*

سرآغاز

«ارتباط»[1] در سطوح و گونه‌های مختلف خود موجبات قوام و دوام و استحکام جامعه را فراهم می‌کند، از این رو جامعه‌ای که از «توانش ارتباطی»[2] برخوردار نباشد، دچار فروبستگی‌هایی از جمله «ناتوانی‌های اخلاقی»[3] می‌شود. از همین جاست که بررسی نسبت میان اخلاق و ارتباطات هم در حوزهٔ «مطالعات اخلاقی»[4] و هم در حوزهٔ «مطالعات ارتباطی»[5]جایگاهی مهم یافته است.

گفته می‌شود «جامعه اخلاقی»[6]، جامعه‌ای است که در آن نظم اجتماعی بر مبنای ارزش‌های اخلاقی سامان می‌گیرد و نظم رفتارهای اخلاقی فردی نیز تسهیل می‌شود. البته می‌توان به این تعریف ویژگی دیگری را نیز افزود از جمله آنکه اکثریت اعضای «جامعه اخلاقی» در اغلب موقعیت‌ها اخلاقی عمل می‌کنند. از چنین تعاریفی مشخص می‌شود که «جامعه اخلاقی» جامعه‌ای گشوده است و در آن امکان ارتباط، گفت‌وگو[7] و فهم و کنش مشترک وجود دارد.

از آنجا که مهم‌ترین بنیان‌های ارتباط بر امکان انجام «گفت‌وگو» در سطوح و لایه‌های مختلف اجتماعی نهاده شده است، از این روپیش فرض‌های مطرح شده در حوزهٔ ارتباطات قابل تحویل و ارجاع به حوزه «گفت‌وگو» هستند و «کنش‌های

* نویسنده مسؤول: نشانی الکترونیکی: hadi.khaniki @ gmail.com

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.2.3.3]

اخلاقی»[8] با «توانش‌های گفت‌وگویی»[9] در پیوندند.

ادبیات کهن، متون دینی و اندیشه‌های فلسفی و اجتماعی به لحاظ آنکه در پی‌عرضهٔ محیطی بازتر بوده‌اند، از عرصه‌های گشودن باب گفت‌وگو هم در محتوا و هم در شکل بوده‌اند. ادب فارسی- چه در نثر و چه در نظم از شکل‌های گوناگون گفت‌وگویی در تبیین مضامین انسانی، اخلاقی و اجتماعی بهره‌های بسیار برده است. از کلیله‌ودمنه که کتابی قدیم در قالب گفت وگوست، تا معروف‌ترین آثار عاشقانه، عارفانهٔ و اخلاقی فارسی نظیر لیلی و مجنون، گلستان سعدی مثنوی مولوی می‌توان صورت‌هایی زیبا و جذاب از گفت‌وگو یافت. فیلسوفان و عارفان و مصلحان ایرانی در آنجا می‌خواهند وجوه اخلاقی عقلانی، و اجتماعی حقیقت را روشن تر ترمیم کنند و از «سوء تفاهم»[10] به هر شکل بکاهند، به زبان گفت‌وگو روی آورده و می‌آورند. در این میان اندیشه جلال الدین محمّد مولوی (مولانا) مقام و مرتبتی ویژه دارد. اما «گفت‌وگو» در عین دیرپایی مفهومی جدید است. در واقع گفت‌وگو یک برساختهٔ انسانی است، از این رو مثل بسیاری از برساخته‌های اجتماعی نمی‌توان آن را امری از پیش داده شده قلمداد کرد. مقولهٔ گفت‌وگو کارکردهایی دارد که به وسیلهٔ کنشگران اجتماعی به آن اسناد داده شده و یا بر آن تحمیل می‌شود.

مفهوم «ارتباط» نیز از این قاعده برکنار نیست. این مضمون‌ها که از یکسو نوپدید و در برگیرنده پرسش‌ها و پیش فرض‌های جدید هستند، در سوی دیگر اشتراک‌های لفظی فراوان با مفاهیم کهن و ریشه دار در تمدن ها و فرهنگ ها دارند. به این اعتبار هم ضرورت جست‌وجو و تحقیق در بافت متون و مبانی قدیم را پیش می‌آورند و هم لزوم استخراج وجوه اشتراک و تمایز معنایی و گفتمانی میان جدید و قدیم را.

یکی از نادرستی‌های مرسوم در این زمینه، تلاش‌هایی است که برای انطباق کامل معانی جدید بر مفاهیم کهن و تفسیر تام و تمام تحولات نوین بر پایه مضامین قدیم می‌شود و متأسفانه سالهاست در حوزه علوم انسانی رواج و رونق خاصی یافته است. در عین حال باید به این حقیقت نیز واقف بود که برساخته‌های عصر ما در غالب زمینه‌ها از جمله در حوزه ارتباط و گفت‌وگو مفاهیمی بی‌تبار نیستند و با فهم تاریخی آنها می‌توان باب تازه‌ای در نظرورزی گشود.

گفت‌وگو

گفت‌وگو را بیش از هر واژه‌ای معادل واژه «دیالوگ» درزبان انگلیسی می‌دانند که در لغت به معنای «همپرسه دو یا چند نفر، مبادله و مباحثه در باب اندیشه‌هاست»(1).

دیالوگ نشان دهنده نوعی سیلان و جریان معنا میان شماری از افراد است که از رهگذر آن نوعی فهم و درک نو که در آغاز گفت‌وگو وجود نداشته است، پدیدار می‌شود. سقراط پدر گفت‌وگو این فرایند را از آن لحظه ممکن می‌دانست که انسان به جهل خویش وقوف یابد. همین معرفت یعنی «علم به جهل» محرک برای رشد معرفت فردی از طریق گفت‌وگو با دیگران می‌شود و به دیگران نیز کمک می‌کند تا در مسیر بسط معرفت قرار گیرند. سازکار انجام گفت‌وگو فهم سخن «دیگری» و نقد آن است، نه حمله به «دیگری» و دفاع از «خود» در واقع: مکالمه‌ای است که در آن شرکت‌کنندگان برای نیل به هدفی واحد و مشترک که حل یا رفع مسئله یا مشکل مبتلا به همه‌شان است، به فهم و نقد سخن یکدیگر می‌پردازند (2).

طرح اندیشهٔ گفت‌وگو به معنای جدید آن مبتنی بر این نظر است که انسان‌ها باید از اینکه یکدیگر را فقط «شیء» تلقّی کنند. دست بردارند و با پذیرش متقابل یکدیگر به عنوان انسان‌های همنوع رابطه «من-آن» را به رابطه «من-تو» تبدیل کنند(3). در این رویکرد اگر دو یا چند شخص وارد گفت‌وگویی شوند، ارتباطات آنها و کنش آنها از دو طرف ارتباط از آنها انسان‌هایی متفاوت با قبل از این همکنشی[11]می سازد، اما این دگرگونی مستلزم آن است که اشخاص یکدیگر را در غایت فی‌ذاته تلقّی کنند، یعنی هیچ یک از آنان در این ارتباطِ گفت‌وگویی هدف یا اهدافی نداشته باشند که مقتضی نوعی استفاده یا سوء استفاده از یکدیگر باشد. به این اعتبار می‌توان گفت که گفت‌وگو «کاوش مشترک برای دستیابی به فهم ارتباط و امکان افزونتر انسانی است»(4). «قلب گفت‌وگو ظرفیت ساده اما عمیق گوش دادن، نه تنها به دیگران، بلکه به خود و واکنش‌های خود است»(5). خوب گوش دادن بر توانایی‌های

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.2.3.3]

محوری نظیر آمادگی فراگیری و آموختن، آمادگی پذیرش، به حالت تعلیق در آوردن تصورات پیشین و موضع‌گیری پویا و جستجوگری استوار است.(6).

ملاحظه می‌شود که گفت‌وگو به عنوان یک بر ساختهٔ بشری، دارای ظرفیت‌های مناسب برای ایجاد دگرگونی در وجود او و پیرامون اوست (4). اگر انسان قادر باشد به شکل جمعی، معانی را با دیگران مشترک سازد، تشریک مساعی صورت می‌گیرد. و از طریق تشریک مساعی است که ارتباط برقرار می‌شود و معانی مشترکی به وجود می‌آید.

ارتباط

در حوزه‌های تخصصی، ارتباطات به عنوان «فراگرد انتقال پیام از فرستنده به سوی گیرنده تعریف می‌شود، مشروط بر آن که در گیرنده پیام مشابهت معنی با معنای مورد نظر فرستنده پیام به وجود آید»(7).

به این اعتبار ارتباط عبارت‌است از: «انتقال یا اشتراک اطلاعات و معرفت در میان اشخاص با حداکثر دقت و امانت ممکن است» (8). چنانکه ملاحظه می‌شود میان این دو تعریف با مفهوم دیالوگ تفاوت‌های آشکاری وجود دارد. «در دیالوگ هر یک از طرفین نمی کوشند تا اندیشه ها و یا اطلاعاتی را که به آنها پیشاپیش دست یافته‌اند بر دیگری بار کنند. تلاش اصلی کسانی که در گفت‌وگو شرکت دارند این است که چیزی را با مشارکت یکدیگر خلق کنند»(9).

در مدل ارسطو، ارتباط، جستجو برای دست یافتن به کلیه وسایل و امکانات برای ترغیب و اقناع دیگران است از این منظر «خطابه» وسیله‌ای ارتباطی است که بر سایر ابزارها چون کتابت ترجیح دارد؛ خطابه رسانه‌ای است که نه تنها پیام را به خوبی و درستی انتقال می‌دهد بلکه خود ابزار فهم و مولد پیام مشترک نیز هست. خطابه قوه ذهنی در نظر گرفتن وسایل اقناعی موجود در هر قضیه‌ای است که به سرشت خطیب، موضوع و مستمع بستگی دارد.(10) اما از نظر ارسطو «غایت هر گفتاری به مورد آخر یعنی شنونده مربوط است»(11). پس از ارسطو تاکنون، جریان ارتباط به اعتبار مؤلفه‌های مختلف آن، معنا یافته است. مجاری ارتباطی، فراگرد ارتباط، مخاطبان، ساختار اجتماعی پیام، شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات مجازی هریک در زمره مؤلفه‌های مهم ارتباطات به شمار می‌آیند که با دستیابی‌های انسان به رسانه‌ها و ابزارهای جدید، به تناسب برجسته شده و موضوع مطالعه در چگونگی فهمیدن و فهماندن و انجام گفت و شنود گردیده‌اند.

در فرایند گفت‌وگو رسیدن به اشتراک نظر و وحدت عقیده به اندازه دستیابی به «فهم ارتباطی» اهمیت ندارد، که این امر خود مستلزم افزایش رابطه متقابل است. از این لحاظ ارتباطات بین فردی پیش‌شرط گفت‌وگو محسوب می‌شود که خود متضمن توجه توأمان به سه عنصر ارتباطی یعنی «گوینده» (شناسنده)، «شنونده» (شناخته شونده) و «جریان گفت‌وگو» (فرایند شناسایی) است. «توانش ارتباطی» در همین فرایند شکل می‌گیرد که فقط به معنای توانایی انسان‌ها در تولید جمله براساس یک دستور زبان مشخص نیست، بلکه به توانایی در ایجاد ارتباط با جهان پیرامون، با اذهان دیگر و با مقاصد و آرزوها و احساسات خود فرد مربوط می‌شود(12).

اخلاق گفت‌وگویی

فهم گفت‌وگو چه در وجه قدیم و چه در وجه جدید آن بدون درک مفهوم اخلاق گفت‌وگو امکان ندارد و اخلاق گفت‌وگو را در چارچوب «پدیدارشناسی اخلاق»[12] بهتر می‌توان تبیین کرد. ویژگی‌های اخلاقی و ارزشی که گفت‌وگو را ممکن یا ممتنع می‌سازند به گونه‌ای معطوف به عاطفه و اراده‌اند و در تفکر ریشه دارند. فیلسوفان پدیدارشناسی اخلاق تجربه اخلاقی را دربردارنده درکی پیش‌نظری و پیش‌باوری از ارزش‌ها می‌دانند که در صورت مواجهه با «دیگری» خود را نشان می‌دهد. از نظر یکی از فیلسوفان تجربه اخلاقی از سنخ «ادراک حسی یا باور»، از نظر فیلسوفی دیگر ارزش‌های اخلاقی «امور پیشینی منعکس[13] در عاطفه»، از نظر محقق دیگر اخلاق بازتاب‌یافته[14]در «مواجهه خود با دیگری در سه صورت میل، چهره و گفتار» و از نظر پژوهشگر دیگر مستتر در «تجربه‌های اخلاقی است»[15]. به این معنا عامل اخلاقی هنگام فعل اخلاقی یا صدور حکم اخلاقی به جای پرداختن به مفاهیم و نظریه‌ها قرار می‌گیرد(13).

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.2.3.3]

این‌گونه باور اخلاقی، «اخلاق مبتنی بر تفاوت» است که خود نوعی تفکّر مبتنی‌بر «به رسمیت شناختن دیگری» به جای انکار او به‌شمار می‌آید و می‌تواند مفهوم «رواداری» و «تساهل» را محقق کند. تقدّم اخلاقی «دیگری» بر همسان و قبول اصالت «دگرگونی» آنگونه که در پدیدارشناسی اخلاقی مطرح است، افقی نو به طرح «اخلاق گفت‌وگویی» می‌گشاید.(14)

هرچه کنش انسانی از سپهر «زندگی مستقل در جهان‌های گوناگون» به «زندگی به‌هم‌پیوسته در جهانی واحد» نزدیک می‌شود و مرزهای مصنوعی در عالم واقع کارآیی خود را بیشتر از دست می‌دهد، ضرورت توجّه به اخلاق گفت‌وگویی[16] بیشتر می‌شود به این معنا اخلاق گفت‌وگویی، امروز صورتی از «اخلاق جهانی‌شدن»[17] نیز هست(15).

بنابه اینگونه تعاریف، اخلاق گفت‌وگویی، خصلتی نهادی دارد و با فرا رفتن از حوزه خصوصی و «اخلاقیات» به «اخلاق در حوزه عمومی» نزدیک می‌شود (16). اخلاق گفت‌وگویی به مانند کنشی اخلاقی در حوزهٔ عمومی تنها متمرکز بر تعریف و تمیز درست و خطا نیست، بلکه می‌کوشد امکانی برای انتخاب و حرکت در فضاهای خاکستری با بالابردن قدرت بحث و استدلال از میان راه حل‌های متعارض و یا متناقض به وجود آورد (17).

«توانش ارتباطی» که پیش از این از آن سخن به میان آمد در عینیت یافتن «اخلاق گفت‌وگویی» نقش حیاتی دارد. اگر توانش ارتباطی کنشگران اجتماعی در مرتبه بالایی باشد، مجال کمتری برای «تقلیل معنا» و تفسیرها و تأویل‌های معطوف در دایره‌های محدود و بسته فراهم می‌شود. به عبارت دیگر «فهم ارتباطی» و «توانش ارتباطی» بالا، ارزش‌ها و سنت‌های اجتماعی را به گونه‌ای تفسیر می‌کنند که زاینده اخلاق گفت‌وگویی باشند و اخلاق گفت‌وگویی را به جزئی از مدنیت و خرده فرهنگ مدنی تبدیل می‌کنند (12).

«تفاهم انسانی»[18] به عنوان آرزویی دیرین که در زمینه‌های هنرهای باستانی، ادیان بزرگ، مکاتب اخلاقی، اساطیر و اندیشه‌های عرفانی دیده می‌شود و معنای رفع هرگونه مانع در فهم یگانگی گوهر انسانی را دربرمی‌گیرد. (18) محصول چنین کنشی اخلاقی و ارتباطی است. این رویکرد اخلاقی که در ایران قدیم بیشتر بر «اخلاق عملی فردی» متکی بوده و صورت «اندرزنامه‌ای» داشته است(19). در نگرش مولانا تفاوت‌های مبنایی می‌یابد.

زبان ارتباطی

«تعامل زبانی» بخش اساسی در ارتباط است، که در آن نحوهٔ زندگی اجتماعی و مراودات میان فردی هر دو تأثیرگذار هستند و هر جا رفتار میان‌فردی دارای ابعاد زیباشناسنه باشد، این تعامل اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. به این اعتبار زبان را باید با توجه به بافت فرهنگی آن مورد مطالعه قرار داد و از محدودیت‌های زبان‌شناسی صوری فراتر رفت. در برخی پژوهش‌ها این ضرورت در جامعهٔ ما به صورت خاصّی مورد تأکید قرار گرفته است، چون مهارت فرد در ایران برای برقراری ارتباط و تعامل با دیگران چنان تحت تأثیر «بعد زیباشناختی»[19] است که آن را به نحو اجتناب ناپذیری به سوی «استعاره» می‌برد (20). ویژگی‌های هنر، موسیقی و شعر در ایران و درهم‌تنیدگی آنها با زندگی ایرانیان نشان می‌دهد که اگر روابط میان‌فردی در ایران با هنر مقایسه شود، نامعقول نیست، زیرا عبور از پیچ و خم روابط شخصی روزمره و موقعیت‌های تعاملی حتّی برای کسانی که درون این نظام نشو ونما یافته‌اند، نیازمند مهارتی تمام عیار و همه جانبه است پس «ماهیت زبان و ارتباط متأثر از ملاحظات فرهنگی در تحلیل زبان است»(20). زبان بالاتر از جمله است و در تعامل اجتماعی رابطه دوجانبه‌ای با بافت پیدا می‌کند (21).

با نگاهی از این منظر به زبان ارتباطی مولانا باید به نسبت میان «معانی» و «نمادها» توجه بیشتر داشت. «نمادها چه عینی و چه انتزاعی باشند ساز وکارهای هستند که در چارچوب یک نظام فرهنگی پدیده‌هایی ملموس و عینی را به معانی مربوط می‌سازند و چون بر معانی زیادی دلالت می‌کنند، پدیده‌هایی چند معنا محسوب می‌شوند. معانی به نوبهٔ خود چند باز نمودی‌اند، یعنی درکثیری از نمادهای عینی و انتزاعی بازتاب پیدا می‌کنند»(20).

برخی محققان از این‌گونه قدرت ارتباطی در ایران به عنوان «زبان به منزلهٔ جادو» یاد کرده‌اند که «مهارتی خاص در ارتقای امر خطیر ارتباط به قلمرو هنر یعنی حوزه‌ای برتر از فرا رسانی محض ملال آور است»(20). با پذیرش این ویژگی زبانی برای

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.2.3.3]

ایرانیان می‌توانیم مثال عالی آن را در زبان ارتباطی مولانا جستجو کرد، زبان مولانا زبانی نمادین، تمثیلی، گفتمانی و چند معنایی است.

زبان مولانا «زبان حال» در برابر «زبان قال یا مقال» است (22).که زبانی عرفانی و قادر به برقراری ارتباط در عالم بی‌حرف و صوت است. این زبان بیانی برای شرح تجربه درونی است که از زبان‌های مرسوم، حتی زبان خشک علم به‌دور است (23). و در صورت «رمز و تمثیل» عینیت می‌یابد.

«رمز» معادلی برای واژه «سمبل» در زبان‌های اروپایی به معنای نشانه و علامت است که خصلت ارتباط‌گری دارد امّا مدلول آن در محدوده یک شیئ یا مفهوم معین محصور نمی‌شود(24). «تمثیل» نیز ارائه یک موضوع تحت صورت ظاهر موضوع دیگر و «تصویر» یا «مجازی» است که گوینده به‌وسیله آن چیزی می‌گوید، اما مقصودش چیز دیگری است(24). به این ترتیب زبان ارتباطی مولانا ساختاری رمزی و تمثیلی دارد چون ارتباط از نظر او همواره متوجّه به «مغز» یا «معنی» و گریزان از «پوست» یا ظاهر است(25).

این مقاله با رویکردی «تماتیک» مقولهٔ گفت‌وگو را در اندیشهٔ مولانا پی گرفته است. به این معنا که مفهوم «گفت‌وگو» در ذهن و زبان «عارفانه» او واکاوی و طبقه‌بندی شده است. بنا به نظریه‌های جدید، «عرفان چیزی نیست جز نگاه جمال‌شناسانه و هنری به الهیات»(26). و از آنجا که زبان گفت‌وگو در مثنوی تمی عرفانی دارد و زبان عرفانی با ویژگی‌ها و رمز و رازهای خاصی همراه است، لذا مفاهیم گفت‌وگو و ارتباط در بافت و ساختارهای روایی و تمثیلی و داستان‌های رمزی مورد مطالعه قرار گرفته است.

نتایج مطالعه؛ موضوع عرفانی و زبان ارتباطی

مطالعه مقوله‌های ارتباطی در مثنوی نظیر زبان، گوش، چشم، نطق، سخن، حرف، صحبت، خاموشی، سکوت، گفت، گفت‌وگو، لفظ و معنی نشان می‌دهد که فرایند ارتباط در اندیشه مولانا مضمونی عرفانی و متأثر از الزام‌های ارتباطی است.

به این اعتبار، هر جا سخن از زبان و حتی پیش از آن اخلاق ارتباطی مولانا به میان می‌آید باید این «متن» را در بافت زمینهٔ «عرفانی» دید. مولانا در این زمینه و بافت، جریان «ارتباط» را فراتر از صورت‌بندی‌های زبانی چون «حرف و صوت و گفت» می‌برد تا بتواند افق گفت‌وگو را بگشاید(27).

در منطق عارفان: همه موجودات حتی جمادات ناطق‌اند، بدین معنی که به حقیقت سخن می‌گویند، اما ماهیت سخن گفتنشان بر همگان معلوم نیست، به این سبب مولانا در بیان مکاشفاتش از صدها دهان باز در طبیعت خبر داده و از «زبان محرمی» نام برده است که زبان «همدلی» است، نه «همزبانی» (28).

خالق این زبان رمزی که از نظر مولانا هم جنبهٔ «ماهوی» و هم جنبهٔ «روشی» دارد، تجربه‌های عارفانه است که خود نسبت مستقیمی با رویارویی مستقیم عارف با حقایق دارد.

زبان رمزی مولانا همواره در آمد و شد میان لفظ و معنا و مبتنی بر «نمادپردازی» و «تمثیل» است. در واقع این نمادها هستند که می‌توانند اولویت معنا را بر لفظ نشان دهند و از «قالب» و «ظرف» به سوی «محتوا» و «مظروف» بروند. از نظر او سخن سایه حقیقت و فرع حقیقت و حجاب مفاهمه است(29). هر چه معانی از سطح عادی و عمومی بالاتر می‌رود، الفاظ در رساندن آن معانی نارسا می‌نماید(30).

ارتباط از نظر مولانا شکل گفت و گویی دارد که در آن مولفه‌های ذیل قابل مطالعه است:

1. زبان هم «ابزار ارتباط» و هم «ضد ارتباط» است؛ به تعبیر او «جاروب» و «سنگ آتش‌زنه» با کاربردهای دوگانه است.
2. «زبان» به مثابه پرده «وجود» است که مفهومی رازآلود و فراتر از ابزارهای متعارف ارتباطات انسانی دارد.
3. زبانی رمز و تمثیلی است که در آن حکایت و «قصه» به منزله «پیمانه» می‌تواند «معنی» را در قالب «دانه» منتقل کند.
4. طنز و هزل، زبانی موثر در انتقال معانی‌اند؛ چون خارج از ازبان رسمی قرار می‌گیرند.
5. گفت‌وگو قدرت شکل دادن به فهم مشترک در میان گروه‌های مختلف اجتماعی، حتی ناشنوا، کودک، زورمند، دیوانه، متعصب و عاشق را دارد. گفتگو علاوه بر گفتار از ابزارها و نمادهای دیگری چون زبان رنگ‌ها، زبان اشاره و زبان آهنگ‌ها استفاده می‌کند. به تعبیر خود او سیلاب حکت را که از «خون و روده» سرچشمه می‌گیرد، به وسیله «گوشت پاره زبان»، از راه سوراخ گوش به باغ جان می‌رساند تا «میوه هوش» به ثمر رسد.
1. مخاطب محور است و شنیدن بر گفتن اولویت دارد.
2. معنا در «زبان مشترک» نهفته است، نه در زبان گفتاری، چنانکه این مفهوم در داستان موسی و شبان، و چهار نفر ترک و

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.2.3.3]

عرب و رومی و فارس آمده است.لفظ در برابر معنا، دام و ریگ، ابر و پرده، پرچین باغ، پوست و نقش و مشک آب است.

3. سکوت به مثابه زبانی ارتباطی است که گاه به زبان‌های دیگر چون «نی»، «تنبور»، «خلق» و به طور کلی، هنر به سخن می‌آید. این همان «بلاغت خاموشی و شعر سکوت» یا «بوطیقای خاموش» است که در تفسیر زبان مولانا گفته‌اند.(31)

4. ساخت شکنی زمانی و مکانی؛ به این معنا که زبان گفت و گو مثل زبان عرفانی، رها از قیود، عادت‌ها، تجربه‌ها و مقررات زمانی و مکانی است. «حس» هم در آن می‌تواند «بی‌زبان» سخن بگوید.

5. زبان فهم در «صحبت» بوجود می‌آید نه در عزلت. لب فروبستن مولانا از سخن به معنای دوری از جماعت و گفت و گوهای صحبت گشایانه نیست.

لازمه شکل گیری این فرایند ارتباطی برخورداری از «اخلاق گفت‌وگو» است. اخلاق گفت و گو در اندیشه مولانا پایه‌ای برای توانمند کردن مخاطب در ارتباط به‌شمار می‌آید. خلق نیکو، «اهلیت شنیدن» را به وجود می‌آورد (7). و «قدرت شنیدن» نخستین لازمه شکل‌گرفتن گفت‌وگوست. رسیدن به این اهلیت محصول «دل‌آگاهی» و آمادگی درونی برای گفت‌وگوست (27). فهم این مسأله و تجربه زبانی مولانا نیاز به درک زیسته و شناخت گفتمان عرفانی و اخلاقی او دارد: عبور از ملاحظات دستوری، کاربرد لغات محاوره‌ای، تعبیرات عامیانه و حتی الفاظ رکیک و نامأنوس در کنار تمثیل‌ها، نمادها، تصویرسازی‌های درخشان و توانمندی شعری مولانا نشان دهنده این است که مولانا از تمامی عناصر زبانی بهره می‌گیرد تا بتواند با مخاطب به زبان گفت‌وگوی مشترک و مفاهمه برسد.

البته در این فرایند نباید متوقف در توانمندی‌های ظاهری انسان ماند. آدمی از نظر او چیزی جز خبر، آگاهی، و اندیشه نیست و باید حس و عقل را در راه ارتقای این عناصر به کار گرفت.(32)

نتیجه‌گیری

«گفت‌وگو» در اندیشهٔ مولانا پدیده‌ای ارتباطی است، امّا محدود به زبان و صورت‌های ساختاری زبان نیست. گفت‌وگو مقوله‌ای «چند معنایی، عارفانه و اخلاقی» است که حصول به آن مستلزم باور و عمل به «اخلاق گفت‌وگوست».

این تجربه ارتباطی در قالب فرم‌ها و صورت‌های زبانی نمی‌گنجد، و مبتنی بر کنش‌های همهٔ فاعلان گفت‌وگو، از گوینده تا مخاطب است، از این رو در آن هم ارتباط‌گران، هم زمینه، هم زبان و هم اخلاق نقش‌های درهم‌تنیده دارند.

زبان گفت‌وگویی مولانا معطوف به «ارتباطات صحبت‌گشایانه» و «فهم» و «توانش ارتباطی» است، که از «مخاطب» آغاز می‌شود، اما به او محدود نمی‌ماند. به این معنا مدل ارتباطی مولانا، بیشتر «سقراطی» است که در آن آموزه‌ها و الزام‌های اخلاقی که موجبات همدلی، مفاهمه و تشریک مساعی را فراهم کنند، اولویت دارند.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاقی امانت‌داری علمی رعایت و حق معنوی مؤلفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه‌نامه

ارتباط	1.Communication
توانش ارتباطی	2.Communication competence
ناتوانی‌های اخلاقی	3. Ethical failures
مطالعات اخلاقی	4. Ethical studies
مطالعات ارتباطی	5. Communication studies
جامعه اخلاقی	6.Ethical society
گفت و گو	7.Dialoug
کنش‌های اخلاقی	8. Ethical actions
توانش‌های گفت و گویی	9.Proficiencies in conversation
سوء تفاهم	10. Misunderstanding
همکنش	11. Interaction
پدیدارشناسی اخلاق	12.Phenomenology of ethics
امور پیشینی منعکس در عاطفه	13.A priori affairs reflected in affection
اخلاق بازتاب یافته	14. Reflected ethics
تجربه‌های اخلاقی	15.Ethical experiences
اخلاق گفت‌وگویی	16. Ethics in conversation
اخلاق جهانی شدن	17. Ethics of globalization
تفاهم انسانی	18. Human understanding
بعد زیباشناختی	19.Aesthetic dimension

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.2.3.3]

منابع

1. Websters DG. (1986). New world of American language. 2nd ed. USA: Hall Press.
2. Malekian M. (2002). Road to redemption: a query about rationality and spirituality. Tehran: Negahe Moasser Institute. P. 130. (In Persian).
3. Khaniki H .(2013). In the world of dialogue; a dialogue developments at the end of the twentieth century. 2nd ed. Tehran: Hermes Press. P. 174. (In Persian).
4. Paya A. (2002). Conversation in the real world. Tehran: Tarhe No. P. 11. (In Persian).
5. Isaac W. (2001). Conversation and the art of thinking together. Translated by: Haddadi. M. (2001). Tehran: Institute for Political and International Studies. P. 77. (In Persian).
6. Meyer M, Freeman JD. (2011). thinking together: the secret of conversation. Translated by: Sadrameli F. (2003). Tehran: Ettelaat Press. P. 108-109. (In Persian).
7. Motamednejad K. (1992). The media. 2nd ed. Tehran: Allameh Tabatabai University Press. P. 35. (In Persian).
8. Mohsenianrad M. (1995). Communication studies. 2nd ed. Tehran: Soroush Publication. P. 57. (In Persian).
9. Bohm D. (2002). On dialogue. Translated by: Hosseininejad MA. (2000). Tehran: Cultural Research Bureau. P. 26. (In Persian).
10. Aristotle. (384-322 BC). Homiletics. Translated by: Maleki P. (1992). Tehran: Eghbal Publication. P. 23-32. (In Persian).
11. Emarati-Moghadam D. (2016). Rhetoric from Athens to medina. Tehran: Hermes Publication. P. 27. (In Persian).
12. Moini J. (2001). Semiotic barriers to the conversation among civilizations. Tehran: Hermes Publication. P. 146. (In Persian).
13. Mandelbaum M. (2013). The phenomenology of moral experience. Translated by: Khodadadi M. (1955). Tehran: Ghoghnous Publication. P. 17-21. (In Persian).
14. Badiou A. (2010). Ethics: an essay on the understanding of evil. Translated by: Behpour B. (2005). Tehran: Cheshmeh Publication. P. 43-46. (In Persian).
15. Singer P. (2009). One world: the ethics of globalization. Translated by: Azadeh M. (2000). Tehran: Ney Publication. P. 9-11. (In Persian).
16. Mirsepasi A. (2009). Ethics in the public domain: reflections on democratic values and institutions. Tehran: Sales Publication. P. 10-11. (In Persian).
17. Khaniki H. (2009). A framework for research on media ethics. Ethics in Science & Technology; 4(1): 79-80. (In Persian).
18. Zekavati AR. (2008). The thought of human understanding. Ethics in Science & Technology; 3(1,2): 20. (In Persian).
19. Ahangari F. (2007). History and foundations of morality in Iran and the world. Ethics in Science & Technology; 2 (3, 4): 12. (In Persian).
20. Beeman W. (2002). The language of prestige and power in Iran. Translated by: Moghadam R. (1998). Tehran: Ney Publication. P. 22-25. (In Persian).
21. Soltani AA. (2005). Power, discourse and language. Tehran: Ney Publication. P. 29-31. (In Persian).
22. Pourjavadi N. (2006). Present language is in Persian mysticism and literature. Tehran: Hermes Publication. P. 25-38. (In Persian).
23. Meskoob S. (2000). Iranian nationality and the Persian language. Tehran: Farzan Publication. P. 163-164. (In Persian).
24. Pournamdarian T. (1996). Mystery and mysterious stories in Persian literature. Tehran: Cultural and Scientific Publication. Pp. 2-23 and 142-145. (In Persian).
25. Schimmel A. (1988).The magnificence of Shams: An overview of the works and thoughts of Rumi. Trtranslated by: Lahouti H. (1979). Tehran: Cultural and Scientific Publication. P. 76-79. (In Persian).
26. Shafiee-Kadkani MR. (2013). Poetry in Sofia Prose. Tehran: Sokhan Publication. P. 19. (In Persian).
27. Jalal al-Din Muhammad ibn Muhammad Rumi. (1207-1273). Masnavi. Edited by: Nicholson RA. (1991). Tehran: Hermes Publication. (In Persian).
28. Tajdini A. (2013). Review of culture and politics in thoughts of Rumi. Tehran: Farhange Movahed Publication. P. 30-68. (In Persian).
29. Jalal al-Din Muhammad ibn Muhammad Rumi. (1207-1273). The Fihi Ma Fihi. Edited by: Badi'ozaman Foruzanfar. (1969). Tehran: Amir Kabir Publication. P. 7. (In Persian).

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.2.3.3]

30. Zamani K. (2006). Minagare Eshgh: A thematic description of Masnavi. Tehran: Ney Publication. P. 847. (In Persian).

31. Shafiei Kadkani MR. (2000). Selective of ghazaliat Shams. 3nd ed. Tehran: Sokhan Publication. P. 107. (In Persian).

32. Zarinkoob. A. (1975). Serr-e Ney. 6nd ed. Tehran: Elmi Publication. P. 171-231: (In Persian).

33. Kompani Zare. M. (2015). Rumi & life Ethics. Tehran: Negah Moaser Publication, p. 65. (in Persian).

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.2.3.3]